

## طراحی الگوی توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار در استان ایلام

معصومه جمشیدی\*

دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، ایران

حسین مهدی زاده

استادیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام، ایران

### چکیده

زنان سرپرست خانوار به‌عنوان فقیرترین افراد، یکی از مهم‌ترین اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند که مقدار قابل توجهی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند. این قشر به دلیل چند نقشی بودن و نیز وظیفه مهم تأمین معاش خانوار از اهمیت ویژه‌ای در گفتمان‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه برخوردار هستند. توانمندسازی و ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی آنان، می‌تواند زمینه‌های کاهش فقر، کاهش نابرابری جنسیتی، گسترش استقلال اقتصادی اجتماعی و غیره را فراهم نماید. پژوهش حاضر باهدف طراحی الگوی توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار در استان ایلام و با بهره‌گیری از روش تحقیق مطالعه موردی انجام شده است. جامعه آماری شامل کارشناسان آگاه در زمینه توانمندسازی زنان در ادارات و سازمان‌های مختلف استان است. با استفاده از نمونه‌گیری نظری و مصاحبه عمیق با ۲۸ کارشناس، داده‌ها تا رسیدن به اشباع تئوریک گردآوری شدند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد. نتایج نشان داد که تعداد ۴۳ مفهوم در مرحله کدبندی باز، ۷ مقوله محوری در مرحله کدبندی محوری و یک مقوله هسته‌ای در مرحله کدبندی گزینشی به‌دست آمده‌اند. کارشناسان مذکور، معنای نوین توانمندسازی اقتصادی زنان مذکور را در اصلاح و تغییر الگوی سنتی توانمندسازی و حرکت به سمت تکمیل زنجیره ارزش و شناسایی حلقه‌های زمینه‌ساز به‌منظور رسیدن به الگوی نوین ساماندهی مشاغل خانگی و کارآفرینی خانوادگی ویژه بانوان سرپرست خانوار دانستند.

**واژه‌های کلیدی:** الگوی توانمندسازی، توانمندسازی اقتصادی، زنان سرپرست خانوار، استان ایلام، نظریه زمینه‌ای.

\* نویسنده مسئول مکاتبات، [masomeh\\_jamshidi@yahoo.com](mailto:masomeh_jamshidi@yahoo.com)

## مقدمه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند، این مسئله به این دلیل است که زنان از قابلیت‌ها و امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند (شادی طلب، ۱۳۸۲). گزارش‌های بانک جهانی در سال‌های اخیر اکثراً به استمرار محرومیت و نابرابری جنسیتی در کشورهای در حال توسعه صحنه گذاشته است. بر این اساس، بیش از ۶۶ درصد از حدود یک و نیم میلیارد نفر از فقرا جهان را زنان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که زنان در سراسر جهان، همواره بیش از دو سوم از بارکاری را بر دوش داشته‌اند؛ اما تنها ده درصد از کل درآمد جهانی و فقط یک درصد از ثروت جهان نصیب آنان شده است (بانک جهانی، ۲۰۰۴). پژوهش‌هایی که در کشور صورت گرفته، وضعیت نه‌چندان مطلوبی را نشان می‌دهد که به نسبت بالای تعداد زنان زیرخط فقر به‌ویژه فقر شدید زنان سرپرست خانوار تأکید دارد (فروزان آمنه و بیگلرنیا، ۱۳۸۲؛ شادی طلب و گرایبی نژاد، ۱۳۸۳). بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۶، فقر زنان، به‌ویژه فقر زنان سرپرست خانوار، در کشور در مقایسه با مردان از شدت بیشتری برخوردار می‌باشد. بر اساس این گزارش، هرچند فقر در خانواده‌های با سرپرست زن و خانواده‌های با سرپرست مرد دارای نوساناتی است، ولی نوسان در خانواده‌های نخست بیشتر است (بانک جهانی، ۲۰۱۶). چالش‌های بسیاری هستند که باعث افزایش فقر و کاهش برابری جنسیتی می‌شوند، نکته اساسی که در غالب بررسی‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد این است که زنان به خاطر زن بودن، بیشتر در معرض فقر قرار دارند (میشل، ۱۳۸۱؛ مختاریان، ۱۳۸۰). به‌علاوه نگرانی پیوستن زنان به گروه آنچه شیفر (۱۹۸۸) «فقیرترین فقرا» نام می‌نهد، سبب طرح رویکردهای جدید در توسعه و جنسیت و اتخاذ تدابیری برای بهبود کارکردهای اساسی و مؤلفه‌های قابلیت‌های زنان شده است. مفهوم اساسی و مشترک در این رویکردها و راهکارها، مفهوم توانمندسازی زنان است. به‌گونه‌ای که برنامه توسعه سازمان ملل «ارتقاء برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سطحی گسترده را به‌عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه هزاره سوم اعلام کرده است» (بانک جهانی، ۲۰۰۴).

Keler & Mbwewe (1991) توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف می‌کنند که به‌وسیله آن زنان برای سازمان‌دهی خودشان توانمند می‌شوند و اعتمادبه‌نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می‌گردد، دفاع می‌کنند (Malhotra et al., 2002). توانمندسازی زنان یعنی این که آن‌ها باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آن‌ها امکان انتخاب بر اساس خواسته‌های خود را بدهد. درواقع توانمندسازی تلاشی برای ارتقاء سطح اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زنان است. لذا توانمندسازی زنان، نیاز به آموزش و توسعه جنسیتی دارد. یکی از اهداف توسعه جنسیتی، توانمندسازی است و به

معنای افزایش شناخت-خودآگاهی- قابلیت اعتماد و گسترش آزادی انتخاب زنان توسط خودشان است (قلی پور و رحیمیان، ۱۳۸۸). بر این اساس توانمندسازی زنان اصطلاحی است که ارتباط تنگاتنگی را با بهبود مستمر، ارتقای صلاحیت، تغییر در رفتار و بهبود بر عملکرد زنان نشان می‌دهد (Handy, 2004). به‌عبارت‌دیگر، توانمندسازی زنان به این معنا است که آنان بر عزت‌نفس پایین خود فائق آیند، کردار و گفتارشان حاکی از اعتمادبه‌نفس و اطمینان خاطر باشد و قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و از توانایی‌ها و قابلیت‌های خود به‌منظور نیل به هدف‌های خویش بهره‌مند گردند و با افزایش توانایی خویش در حوزه‌های مختلف، به اهداف موردنظرشان برسند (فرخی راستایی، ۱۳۸۲). توانمندسازی زنان یک پدیده اجتماعی است و از جمله پدیده‌های اجتماعی تک‌علیتی نیستند و به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد. از طرفی، عوامل درونی چون وضعیت جسمانی، روانی، وضعیت اقتصادی خانواده بر توانمندی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از طرف دیگر، ساختارهای موجود اجتماعی در این مورد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد از جمله این عوامل، تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندی آنان است (کلدی و سلحشوری، ۱۳۹۱).

دیدگاه توانایی، توانمندسازی را مرکز و مبنای امتیاز تغییرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر اگر فرایند توانمندسازی موفقیت‌آمیز باشد، توسعه بیشتر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از نتایج جانبی آن خواهد بود. پس باید هدف دولت این باشد که افراد فاقد توانایی را در فرایند سیاست‌گذاری عمومی به افراد مولد، فعال و مشارکت‌کننده در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبدیل کند تا آن‌ها بتوانند برای جامعه خویش فردی مفید باشند (Cruikshank, 1991). نگاهی اجمالی به جایگاه زنان در ترکیب جمعیت ایران (۴۹ درصد جمعیت کل کشور)، نظام آموزشی (۴۸ درصد جمعیت در حال تحصیل در مقطع ابتدایی تا متوسطه) و اشتغال کشور (نرخ فعالیت زنان ۱۵ سال و بیشتر ۱۳/۱ درصد و نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها ۳۱/۱ درصد) بیانگر نقش مهم آنان می‌باشد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۶). کمبود مشارکت زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور، در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، وجود تعداد کثیری از زنان جامعه ایران زیرخط فقر، کمبود اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس در میان آن‌ها برای حضور در فعالیت‌های مختلف اجتماعی، فقدان آگاهی و دانش آنان از اطلاعات بازار کار، دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، شرایط محیط کار، قانون کار و غیره از عمده‌ترین و اصلی‌ترین مباحث مربوط به زنان است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۶).

استان ایلام دارای جمعیتی معادل ۵۵۷۵۹۹ نفر است. جمعیت زنان استان برابر با ۲۷۵۱۳۱ نفر، یعنی معادل ۴۹/۳۴ درصد (۱۰۸۱۶۶ نفر بالای ۱۵ سال) می‌باشد (سالنامه آماری استان ایلام، ۱۳۹۵)، میزان مشارکت آن‌ها به‌عنوان نیروی انسانی معادل ۱۳ درصد در سال ۱۳۹۵ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). با توجه به ترکیب جمعیتی استان و سهم بالای زنان در ترکیب جمعیتی (تقریباً نیمی از جمعیت)، این میزان

سازه‌های آموزشی، متغیر سازه‌های اقتصادی بیشترین میزان موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در زمینه توانمندسازی زنان روستایی منطقه مذکور تبیین نموده است.

چرمچیان لنگرودی (۱۳۹۵) در تحقیقی "نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان مرکبات کار شهرستان ساری" را مطالعه نمود. نتایج نشان داد که ۹/۸ درصد از واریانس کل به‌وسیله سرمایه اجتماعی تبیین شده است. وی پیشنهاد نمود که به‌منظور تقویت توانمندسازی زنان مذکور، به متغیرهای سرمایه اجتماعی مانند استفاده زنان مرکبات کار از وسایل ارتباط جمعی، استفاده از توصیه سایر مرکبات کاران، کمک گرفتن از سایرین در امور شخصی و خانوادگی، کمک گرفتن از دهیار و اعضای شورای روستا نیاز است.

رمزی و همکاران (۱۳۹۶) به "بررسی رابطه بین توانمندسازی با انگیزه کاری در زنان شاغل در ادارات شهرستان فردوس" پرداختند. نتیجه مطالعه آن‌ها حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین توانمندسازی و انگیزه کاری در زنان شاغل شهرستان مذکور است. همچنین آن‌ها نشان دادند که از بین ابعاد توانمندسازی، بعد احساس مؤثر بودن و بعد احساس اعتماد بر انگیزه کاری مؤثرتر است.

جمشیدی (۱۳۹۷)، بازدارنده‌ها و پیش‌برنده‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در استان ایلام را از دیدگاه کارشناسان و زنان سرپرست خانوار موردبررسی قرارداد. نتیجه مطالعه وی حکایت از عوامل مختلفی است که برگرفته از شرایط حاکم بر جامعه زنان، تعاملات مرتبط با آن‌ها و پیامدهای به وجود آمده در راستای این تعاملات است.

Fewer et al. (2013) راهبردهای توانمندسازی اقتصادی برای دختران جوان را مطالعه نمودند. وی یکی از عامل‌های کلیدی در توانمندسازی اقتصادی دختران جوان را سرمایه اجتماعی معرفی کرد.

Mello & Schmink (2017) در پژوهشی به مطالعه "توانمندسازی اقتصادی زنان و اقداماتی در جهت کاربری اراضی پایدار در بین کارآفرینان زن آمازونی" پرداختند. آن‌ها نشان دادند که توانمندسازی اقتصادی زنان سبب تقویت ظرفیت آنان برای اداره سازگاران در خانواده آن‌ها شده است.

Paudel & De Araujo (2017) به "بررسی پاسخ‌های دموگرافیک به تحول سیاسی و شواهدی از توانمندسازی زنان نپال" پرداختند. نتیجه مطالعه آن‌ها نمایانگر افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری‌ها و مواجهه بیشتر آنان با عقاید خشونت‌آمیز علیه خود بوده است. (Singh 2018)، جنسیت و رهیافت‌های توانمندسازی زنان را در شمال هند بررسی نمود. وی با اشاره به این نکته که رهیافت‌های توانمندسازی زنان به‌عنوان پیش‌نیاز برابری جنسیتی محسوب شده‌اند، باین‌حال در شمال هند اثرات محدودی بر تواناسازی زنان بر جای گذاشته‌اند.

Han et al. (2019) به "بررسی نقش امنیت تصرف و مالکیت زمین بر ارتقاء توانمندی زنان روستایی چین" پرداختند. آن‌ها نشان دادند که دسترسی به درآمد در گردش ارضی می‌تواند سبب افزایش امنیت تصرف و نهایتاً اثرگذاری مثبت

مشارکت بسیار ناچیز بوده و گستره عظیمی از نیازهای روانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان وابسته به این امر می‌باشد. عدم توجه به مسائل عمیق زنان و در حاشیه قراردادن آنان و تلقی نمودنشان به‌عنوان جنس دوم، صدمات جبران‌ناپذیری را در جامعه سبب می‌شود.

گروه‌ها و اقشار مختلفی از زنان در سطح استان ایلام وجود دارند. یکی از این گروه‌ها، گروه زنان سرپرست خانوار است که به‌عنوان فقیرترین فقرا، تحت پوشش نهادهای حمایتی کمیته امداد و اداره بهزیستی بوده و دارای مسائل و مشکلات متعدد هستند. در سال‌های اخیر با روند رو به رشد این دسته از زنان به دلایل مختلف (طلاق، مرگ همسر، عدم ازدواج و غیره) روبه‌رو بوده‌ایم. این در حالی است که بسیاری از این زنان در فقر شدید به سر برده و میزان مستمری و کمک‌های دریافتی آن‌ها در حد بسیار پایین قرار دارد؛ به یک معنا آسیب‌های جدی در کمین خانواده‌هایی است که سرپرست آن‌ها، زنان می‌باشند و در صورت عدم حمایت و تأمین خانواده‌ها باید منتظر پدیده‌هایی چون آسیب‌های روانی، بالا رفتن میزان جرائم و غیره بود. همان‌گونه که مشخص است، الگوی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در استان ایلام، برای مدت‌ها بر اساس الگوی سنتی تأمین اعتبارات خرد بوده و اغلب زنان فوق نتایج قابل قبولی از برنامه‌های توانمندسازی و خودکفایی کسب ننموده‌اند. آنچه پیداست، الگوی سنتی دارای ضعف‌ها و کاستی‌هایی در توانمند نمودن زنان سرپرست خانوار متقاضی طرح‌های توانمندسازی اقتصادی بوده است. این مطالعه، به دنبال ارائه الگویی نوین به‌منظور توانمند نمودن زنان سرپرست خانوار از طریق تفسیرگرایی موضوعی می‌باشد. مطالعات متعددی در داخل و خارج از ایران در رابطه با توانمندسازی به‌خصوص توانمندسازی زنان انجام‌شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

طباطبایی یحیی‌آبادی و حسینیان (۱۳۸۴) به "بررسی توانمندسازی زنان سرپرست خانواده از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی" پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که برنامه مشاوره گروهی بر عزت‌نفس زنان سرپرست خانوار تأثیر دارد.

کیمیایی (۱۳۹۰) "شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار" را مطالعه نمود. وی نشان داد که اجرای برنامه‌های توانمندسازی در مورد زنان خانوار، نه تنها به اشتغال و افزایش سطح درآمد و ارتقاء آن‌ها به سطوح طبقاتی بالاتر اجتماعی-اقتصادی جامعه منجر می‌شود، بلکه به کمک آموزش مشاغل از وابستگی آن‌ها به سازمان‌های حمایتی کاسته شده و به لحاظ اقتصادی-اجتماعی خود را همچون سایر افراد جامعه می‌بینند. علاوه بر این اجرای طرح توانمندسازی روانی سبب شده است تا زنان سرپرست خانوار در حوزه‌های مختلف روان‌شناختی همچون خود کارآمدی، خود ارزشمندی و عزت‌نفس، کنترل بر زندگی، قدرت تصمیم‌گیری و حل مسئله و افزایش سازگاری توانمند شوند.

قدیری معصوم و احمدی (۱۳۹۴) در "بررسی سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان فیروزکوه" به این نتیجه رسیدند که از بین متغیرهای سازه‌های اجتماعی، سازه‌های اقتصادی و

بر توانمندسازی زنان شود. هر یک از مطالعات فوق ابعاد مختلف توانمندسازی و توانمندسازی زنان را مورد بررسی قرار داده است در این پژوهش، مطالعه‌ای متفاوت در زمینه طراحی الگوی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، از دیدگاه کارشناسان مختلف مورد نظر در استان ایلام به شیوه رویکرد کیفی انجام گرفته است و به دنبال شناسایی و کشف موانع و محدودیت‌های روش‌های توانمندسازی سنتی و ایجاد الگویی نوین به منظور توانمندسازی اقتصادی زنان فوق است. با توجه به اینکه، زنان سرپرست خانوار تحت پوشش نهادهای حمایتی (کمیته امداد و اداره بهزیستی) شامل چهار گروه زنان بی‌سرپرست (زنان بیوه)، زنان سرپرست (زنان دارای سرپرست ناتوان و از کارافتاده)، زنان مطلقه و زنان خودسرپرست (دختران ازدواج‌نکرده بالای ۴۰ سال) می‌باشند که با مسائل و مشکلات متعددی مواجه هستند. این دسته از زنان (زنان سرپرست خانوار)، علاوه بر نقش اصلی خود به‌عنوان کانون خانواده، نقش سرپرست و نقش تأمین‌کننده معیشت را نیز بر عهده‌دارند؛ بنابراین، لزوم توانمند نمودن آنان به‌عنوان نیمی از جامعه که نیازمند توجه و مدیریت مطلوب منابع انسانی است، ضرورت دارد.

### اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق، طراحی الگوی نوین توانمندسازی زنان سرپرست خانوار است که در این راستا اهداف اختصاصی زیر دنبال می‌گردد:

- بررسی و شناخت طرح‌ها و برنامه‌های توانمندسازی سنتی و کشف موانع و ضعف‌های آنان؛
- ارائه راهبردها و تعاملات تاکتیکی جایگزین، به منظور بهبود اوضاع زندگی زنان مورد مطالعه؛
- معنا سازی الگوی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از دیدگاه کارشناسان.

### روش پژوهش

در تحقیق کیفی حاضر، به منظور رسیدن به یک پارادایم منطقی، از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی بهره گرفته شده است. این رویکرد بر اصالت انسان در برابر اصالت محیط تأکید دارد و بر این باور است که واقعیات در فرایند درک و تفسیر انسان‌ها و در خلال زندگی روزمره ساخته و معنا دار می‌شوند (Newman, 2006:75). این تحقیق از نظر هدف کاربردی است و از لحاظ پارادایم در گروه تحقیقات کیفی قرار دارد و از بعد روش از مطالعه موردی استفاده نموده است. در این مطالعه، از رویکرد تفسیرگرایانه به منظور طراحی الگوی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در استان ایلام استفاده شده است. در مطالعات کیفی با روش مطالعه موردی حاضر از روش‌های کیفی جمع‌آوری اطلاعات، نظیر؛ مصاحبه عمیق با ۲۸ نفر (تا رسیدن به اشباع نظری) از خبرگان و کارشناسان آگاه به مسائل زنان در ادارات مختلف استان (استاندارد امور بانوان و معاونت اجتماعی)، فرمانداری‌ها، کمیته امداد استان، اداره بهزیستی استان و شهرستان ایلام، اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان، صندوق کارآفرینی امید استان، بانک کشاورزی، صندوق مهر امید و غیره)، مشاهده و بررسی اسناد بهره گرفته شده است و به‌گونه‌ای اعتبار پژوهش را از طریق سه سوسازی و یا تکنیک مثلث سازی نشان می‌دهد. از روش نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شد و تا رسیدن به اشباع نظری نمونه‌گیری ادامه یافت. در این پژوهش جهت تحلیل اطلاعات گردآوری شده از روش نظریه زمینه‌ای بهره گرفته شد.

### یافته‌ها

طبق داده‌های توصیفی ۶۴/۲۸ درصد کارشناسان مورد مطالعه را مرد و ۳۵/۷۲ را زن تشکیل داده است. میزان تحصیلات ۵۷/۱۴ از نمونه‌ها فوق لیسانس و بالاتر و ۳۲/۱۴ درصد از آنان دارای سابقه فعالیت ۱۱ تا ۲۰ سال بودند (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

شاخص‌های آماری	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۸
	زن	۱۰
	کل	۲۸
تحصیلات	فوق دیپلم	۵
	لیسانس	۷
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۶
	کل	۲۸
سابقه فعالیت	زیر ۱۰ سال	۷
	۱۱ تا ۲۰ سال	۹
	بالای ۲۰ سال	۱۲

بر اساس نتایج جدول ۲، در مجموع ۴۲ مفهوم در مرحله کدبندی باز، ۷ مقوله در کدبندی محوری و یک مقوله در کدبندی انتخابی به دست آمدند. مقوله‌های محوری به دست آمده در قالب دو مقوله کلی مراحل توانمندسازی سنتی و راهبردهای توانمندسازی جایگزین قابل بررسی هستند. در پایان مقوله انتخابی، مقوله طرح نوین ساماندهی مشاغل خانگی و کارآفرینی خانوادگی ویژه بانوان سرپرست خانوار انتخاب شد که از جمله شرایط اثرگذار بر ترسیم الگوی نوین توانمندسازی زنان سرپرست خانوار منطقه مورد مطالعه، ضعف‌ها و نقص‌های موجود در الگوهای قدیمی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می‌باشد. بر اساس الگوی قدیمی مذکور، هدف اصلی توانمند نمودن زنان سرپرست خانوار، خودکفایی و توان‌افزایی آنان به منظور خروج از گردونه حمایت بوده است. در راستای هدف مذکور، تنها سیاست اجرایی، سیاست تقاضا و یا پیشنهاد خودکفایی/ توان‌افزایی مددجویان، ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، پرداخت وام و تسهیلات و گهگاهی ارزیابی و نظارت روند کار و بازپرداخت وام بوده است؛ بنابراین، تنها ارتباطی دایره‌ای بین زنان مورد مطالعه و نهاد حمایتی وجود داشت. بر اساس رابطه دایره‌ای فوق، در برخی موارد زنان به بانک‌ها و مؤسسات مالی حامی و یا اداره فنی حرفه‌ای به منظور کارآموزی و مهارت ورزی معرفی شده‌اند. شرایط فوق نه تنها، وابستگی زنان به نهادهای حمایتی را کاهش نداد، بلکه سبب ایجاد شکل جدیدی از وابستگی شد. همچنین، مسائل و مشکلات گذشته زنان، منجر به مسائل جدیدی مانند مقروض شدن و افزایش بدهی‌ها گردید.

کارشناسان مورد مطالعه، در این قسمت، مراحل توانمندسازی سنتی اجرا شده توسط دو نهاد کمیته امداد و بهزیستی را به عنوان شرایط اثرگذار بر توجه به انتخاب الگوی نوین توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، مورد انتقاد قرار داده و سیاست خودکفایی/ توان‌افزایی دنبال شده را عامل اصلی ناتوانی و فقر بیشتر زنان و ظهور اشکال جدید وابستگی دانسته‌اند. آن‌ها اظهار نمودند که اتکاء طرح‌های توانمندسازی سابق، تنها به ارائه وام و تسهیلات، بدون در نظر گرفتن تکمیل زنجیره ارزش و زنجیره تأمین بوده است. همان‌گونه که از نتایج مشخص است، مهم‌ترین بخش الگوی قدیمی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از دیدگاه پاسخگویان، ارائه وام بوده است.

جدول ۲. مراحل توانمندسازی و اقدامات انجام شده در الگوی قدیمی توانمندسازی زنان مذکور

رتبه اهمیت	اقدامات/ مفاهیم	مراحل توانمندسازی/ مقوله‌ها
۳	تقاضای خروج از گردونه حمایت و ثبت نام به منظور دریافت وام پیشنهاد دریافت وام خودکفایی به مددجویان از سوی نهاد	تقاضا یا پیشنهاد خودکفایی/ توان‌افزایی
۲	معرفی مددجویان به اداره آموزش فنی و حرفه‌ای به منظور حرفه‌آموزی و مهارت ورزی مشاوره به مددجویان دارای مهارت	آموزش و مشاوره
۱	ارائه وام اشتغال‌زایی و خوداشتغالی در قالب طرح‌های مختلف توانمندسازی زنان معرفی به بانک‌ها و مؤسسات مالی دولتی، غیردولتی و مردم‌نهاد معرفی به خیریه‌های اشتغال‌زا	ارائه وام
۴	ارزیابی مهارت‌ها و توانایی‌های مددجویان در رابطه با مشاغل پیشنهادی ارزیابی مکان اجرای طرح اشتغال‌زایی و خوداشتغالی ارزیابی در مصارف بهینه وام‌ها نظارت در بازپرداخت وام‌ها	ارزیابی و نظارت

با تأمل در الگوهای توانمندسازی سابق و ناتوانی آن‌ها در رسیدن به اهداف گفته شده، مدل دایره‌ای ارتباط بین زنان سرپرست خانوار و نهادهای حمایتی دچار سستی شده و راه کارهای تاکتیکی مرتبط با شرایط فوق، بازنگری در طرح‌های توانمندسازی سابق را ایجاد نموده و ارتباط مثلثی «زنان سرپرست خانوار، نهاد حمایتی و حلقه‌های مفقوده زمینه‌ساز» را پیشنهاد نموده است. بر اساس مدل فوق، ارتباط بین زنان و نهادهای حمایتی، باید از حالت دایره‌ای «پرداخت وام از سوی نهاد- دریافت وام از سوی زنان- شکست و بازگشت به حمایت» خارج شده و با تمرکز بر مؤلفه‌ها و حلقه‌های مفقوده زمینه‌ساز عامل‌های متعددی مانند وجود پشتیبان و اتصال به بازار، مزیت‌های منطقه‌ای و اکوسیستم‌های کسب و کار محلی و همچنین ترغیب تفکرات نوگرایانه و محدود نمودن پیش‌داوری‌هایی که سبب ثبات ناتوانی زنان شده‌اند را وارد معادلات توانمندسازی زنان مذکور نمود. راهبردهای بهره‌گیری از هم‌افزایی‌های هدفمند و توجه به عامل بازار، کشف اکوسیستم‌های کسب و کار محلی و تفکرات نوآورانه زنان، زمینه‌ساز رسیدن به الگوی نوین توانمندسازی زنان یعنی طرح نوین ساماندهی مشاغل خانگی و کارآفرینی خانوادگی ویژه بانوان سرپرست خانوار شده است. بر اساس نتایج جدول ۳، کارشناسان مورد مطالعه مهم‌ترین مقوله تاکتیکی را ترسیم اکوسیستم کسب و کار منطقه‌ای ذکر کرده‌اند.

جدول ۳. تعاملات تاکتیکی کارشناسان توانمندسازی (اقتصادی) زنان مذکور در برابر شرایط توانمندسازی سنتی

رتبه اهمیت	مفاهیم	مقوله‌ها
۲	خروج از الگوهای سابق و الگوی جدید حمایت توسعه مشاغل خانگی/ تأسیس اداره مرتبط با آن افزایش میزان وام‌های هدفمند بانکداری پیوندی/ روش حمایت مالی مرحله‌ای هم‌افزایی‌های چند تخصصی هدفمند/ حذف سیستم‌های جزیره‌ای	هم‌افزایی‌های هدفمند
۱	انتظام بازار/ شبکه‌سازی تولید/ حمایت از کالای داخلی گسترش کارآفرینی‌های خانوادگی/ مشاغل خانوادگی تعاونی سازی تولید محلی/ ارتباط بین خوشه‌های تولیدی خوشه سازی و تولید گروهی/ اقدام جمعی کارآفرینی	ترسیم اکوسیستم کسب‌وکار منطقه‌ای
۳	ترسیم اکوسیستم کسب‌وکار بومی بازارشناسی/ بازاریابی علمی و مزیت منطقه‌ای گسترش دیدگاه فرامحلی/ ارتباطات/ سفارش‌گیری	ترغیب ذهنیات نوگرایانه/ حذف پیش‌داوری
	خوانایی امر/ واقعیت‌سازی/ بانک اطلاعات متمرکز در مورد زنان اعتمادسازی‌های دوطرفه/ رفع فراقکنی-پیش‌داوری حذف اثرات نظام/ بهره‌گیری از کلیه ظرفیت‌ها آموزش/ فرهنگ‌سازی	

در مجموع بر اساس نتایج به‌دست آمده، راهبردهای کلی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در راستای توجه به حلقه‌های مفقوده طرح‌های توانمندسازی زنان را می‌توان در قالب سه راهبرد کلی بیان نمود:

- "راهبرد تنوع"، که بر اساس توجه به نقاط قوت زنان و تهدیدهای بیرونی آنان را درگیر نموده و شامل گسترش مشاغل خانگی، انتظام بازار/ شبکه‌سازی تولید/ حمایت از کالای داخلی و گسترش کارآفرینی‌های خانوادگی/ مشاغل خانوادگی است.

- "راهبرد بازنگری"، توجه به نقاط ضعف زنان و بهره‌گیری از نقاط قوت بیرونی است که مشتمل بر خروج از الگوهای سابق و الگوی جدید حمایت، افزایش میزان وام‌های هدفمند، بانکداری پیوندی/ روش حمایت مالی مرحله‌ای، هم‌افزایی‌های چند تخصصی هدفمند/ حذف سیستم‌های جزیره‌ای، تعاونی سازی تولید محلی/ ارتباط بین خوشه‌های تولیدی، خوشه سازی و تولید گروهی/ اقدام جمعی کارآفرینی، خوانایی امر/ واقعیت‌سازی، آموزش/ فرهنگ‌سازی و اعتمادسازی‌های دوطرفه/ رفع فراقکنی-پیش‌داوری می‌باشد.

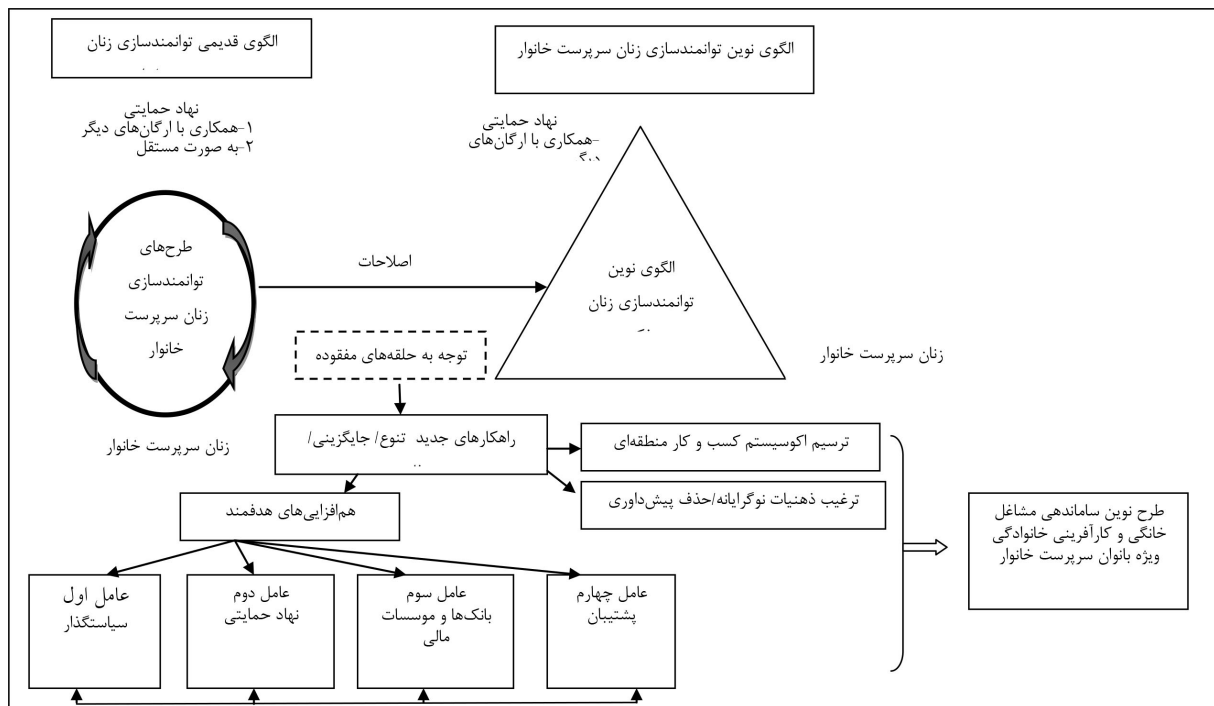
- "راهبرد دفاعی"، به‌منظور کاهش ضعف‌های داخلی و خنثی نمودن تهدیدهای بیرونی در نظر گرفته می‌شود. این راهکار، مواردی مانند ترسیم اکوسیستم کسب‌وکار بومی، بازارشناسی/ بازاریابی علمی، گسترش دیدگاه فرامحلی/ ارتباطات/ سفارش‌گیری، حذف اثرات نظام/ بهره‌گیری از کلیه ظرفیت‌ها و اعتمادسازی‌های دوطرفه/ رفع فراقکنی-پیش‌داوری را در بردارد.

نتایج نشان داد که در راستای اجرای طرح نوین توانمندسازی زنان مذکور، عامل اول یا نهاد سیاست‌گذار مقتدر که تأمین‌کننده سبد شغلی جامعه بر اساس مزیت‌های منطقه‌ای، مکان‌یابی شغلی و غیره است، از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ بنابراین، اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار در تأمین سبد شغلی منطقه، وظیفه بررسی و کشف اکوسیستم کسب‌وکار محلی زنان سرپرست خانوار با بهره‌گیری از رویکردهای بازارشناسی و اطلاع از نیمرخ توانمندی زنان سرپرست خانوار را بر عهده می‌گیرد. این امر سبب کشف مشاغل خانگی و کارآفرینی‌های خانوادگی مختص زنان (بر اساس بازار و مهارت زنان) مذکور خواهد شد. این نهاد پس از شناسایی رشته مشاغل خانگی دارای مزیت (مزیت تولیدی، بازاری، پشتیبانی از طریق همکاری با گروه پشتیبان) آن‌ها را به‌صورت انتظام یافته در سایت مشاغل خانگی و با امتیاز ویژه برای زنان سرپرست خانوار قرار می‌دهد. بازوی دوم لازم در طرح نوین توانمندسازی زنان از طریق مشاغل خانگی، نهاد حمایتی (کمیت‌آمده و بهزیستی) است. در اینجا نهاد حمایتی با فاصله گرفتن از رویه سابق خویش، با بررسی نیمرخ توانمندسازی انفرادی زنان و آگاهی از توانایی و مهارت آنان، زنان را به ثبت‌نام در سایت مذکور ترغیب می‌نماید. در اینجا، با توجه به تغییر سیاست گذشته در زمینه انجام برخی مقدمات (آگاهی از مکان طرح، توجه به نیروی کار، سن زنان و غیره) و نهایتاً ارائه وام‌ها، مطالعات مختلفی بر روی زنان انجام می‌گیرد. این مطالعات می‌تواند به شکل مدون و رسمی یا برخی برآوردهای سرانگشتی مبتنی بر پرسش و پاسخ کارشناسان و مددکاران نهاد حمایتی با زنان مذکور صورت گیرد و منجر به شناسایی آنان شود. علاوه بر این، معرفی زنان به سایت مشاغل خانگی، مسیر فعالیت آنان را تعیین می‌نماید. به همراه شناسایی مهارت‌ها و غربال‌گری زنان، آموزش‌ها و مشاوره‌های تکمیلی نیز از سوی نهاد حمایتی به‌صورت مستقیم و یا معرفی به سازمان‌های ذی‌ربط (اداره فنی - حرفه‌ای، کلینیک‌های مددکاری اجتماعی و غیره) انجام می‌شود.

پس از شناسایی زنان دارای مهارت، ثبت‌نام در سامانه مشاغل خانگی اداره تعاون انجام و پس از تأیید ثبت‌نام آنان، از سوی نهاد حمایتی به بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی، غیردولتی و مردم‌نهاد (خیریه‌های اشتغال‌زایی) معرفی می‌شوند. همان‌گونه که گفته شد، بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز با حمایت از طرح مشاغل خرد، در راستای تأمین مالی خرد از رویکرد بانکداری پیوندی به‌صورت گسترده و همچنین تشویق حمایت‌های مرحله‌ای و تزریق سرمایه در گردش، بهره می‌گیرند. در طرح‌های توانمندسازی سابق، به بازوی چهارم یعنی عامل پشتیبان، توجهی نشده است؛ اما نتایج نشان داد که در گزارش‌های توانمندسازی فقرا که در کشورهای دیگر انجام شده، عامل پشتیبان و وظایف مربوط به آن، به‌عنوان فاکتور بسیار مهمی در پایداری تولید و بهینه نمودن اقتصاد است. در طرح پیشنهادی نوین توانمندسازی، توجه به عامل چهارم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. نتایج نشان داد که پشتیبان طرح‌های نوین توسعه مشاغل خانگی و کارآفرینی خانوادگی، باید اشخاص حقیقی و حقوقی، دارای صلاحیت‌های متعدد در زمینه کمک به کشف اکوسیستم‌های کسب‌وکار محلی، بازاریابی، مکان‌یابی‌های تولیدی، آموزش، مهارت‌افزایی، شبکه‌سازی و ارتباطات خوشه‌ای، تقسیم‌کار و غیره باشند. بازوی پشتیبانی طرح، زمینه‌ساز کشف تمامی حلقه‌های مفقوده زنجیره ارزش و تأمین است و موانع و محدودیت‌های پویایی طرح‌های مشاغل خرد را مشخص می‌نماید.

به دنبال توجه به حلقه‌های مفقوده زمینه‌ساز و راهبردهای گفته‌شده در بالا، الگوی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، تحت عنوان "طرح نوین ساماندهی مشاغل خانگی و کارآفرینی خانوادگی ویژه بانوان سرپرست خانوار" ارائه گردید. نگاره ۱، الگوی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را نشان می‌دهد.

در اینجا، جهت اطمینان از اعتبار پاسخ‌های به‌دست‌آمده، یافته‌های نهایی را به پاسخگویان مورد مطالعه نشان داده (اعتبار پاسخگو) و واکنش آن‌ها را در زمینه تطابق مقوله‌های مفهومی با آنچه آن‌ها بیان نموده، مشاهده گردید. لذا مقوله‌های به‌دست‌آمده برای پاسخگویان شناخته‌شده، قابل فهم و شناسایی بود، در نهایت، محققان از اعتبار نظریه تولیدی خود مطمئن شدند.



نگاره ۱. الگوی نوین توانمندسازی زنان سرپرست خانوار

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که کارشناسان مورد مطالعه، الگوی نوین توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را به‌عنوان الگوی جایگزین توانمندسازی سنتی، پس از کشف و شناسایی اشکالات و نقص‌های آن و انجام برخی اصلاحات برگزیده‌اند. از دیدگاه آنان، کشف حلقه‌های مفقوده زنجیره ارزش، شناخت مزیت منطقه‌ای و اکوسیستم‌های کسب‌وکار محلی و همچنین توجه به مسائل مرتبط با ذهنیات و رفتارهای پذیرشی زنان مورد نظر، به‌عنوان راهبردی تاکتیکی، در برابر شرایط سنتی حاکم بر جامعه زنان سرپرست خانوار عمل نموده و در جهت ساماندهی الگوی توانمندسازی آنان حرکت می‌نماید. در الگوهای قدیمی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، ارتباطی دایره‌وار در بین نهاد حمایتی و زنان مذکور وجود داشت. بر اساس این رابطه، نهادهای حمایتی به‌صورت مستقل و یا انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با سایر ارگان‌های دولتی، غیردولتی و مردم‌نهاد (اکثریت به‌منظور تأمین مالی یا آموزشی/مهارت‌آموزی)،

اکوسیستم‌های کسب‌وکار بومی و نیز با آگاهی از اوضاع اقتصادی خانوارهای فقیر و به‌ویژه زنان سرپرست خانوار و توجه به نیمرخ مهارتی/ توانمندی آنان، وظیفه سیاست‌گذاری و نظارت بر ایجاد اشتغال و تعریف فضاهای شغلی را دارد. این وظیفه را اغلب اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی عهده‌دار می‌باشد. در این پژوهش نیز، به نظر می‌رسد، اداره فوق، توانایی و لیاقت لازم به‌منظور سیاست‌گذاری در طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با استفاده از مشاغل خانگی و کوچک تعریف‌شده را دارد؛ بنابراین، عامل اول در هم‌افزایی هدفمند بین‌سازمانی، همکاری اداره فوق است. در مرحله بعد، نهاد حمایتی کمیته امداد و اداره بهزیستی به‌عنوان مجریان طرح نوین توانمندسازی زنان از طریق مشاغل خانگی و کارآفرینی خانوادگی است. در این راستا، نهادهای حمایتی ضمن شناسایی زنان سرپرست خانوار دارای مهارت متناسب با رشته مشاغل دارای پشتیبان و ارائه مشاوره و توجیه‌سازی آنان، زنان فوق را به عامل سوم، یعنی بانک‌ها و مؤسسات مالی دولتی، غیردولتی و مردم‌نهاد معرفی نمایند.

بر اساس فراوانی‌های به‌دست‌آمده از شمارش سخنان کارشناسان مورد مطالعه، مفهوم افزایش میزان وام‌های هدفمند، به‌عنوان مهم‌ترین مفهوم مورد نظر کارشناسان، به‌منظور توانمندسازی و رفع فقر است. بر این اساس، کارشناسان دخیل در امور توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، هنوز با نگاهی مبتنی بر درک استیصال گروه هدف، بهترین راهکار را تزیق تسهیلات و وام، اما به‌صورت هدفمند و در جهت راه‌اندازی کسب‌وکارهای بازار محور می‌دانند. بر این اساس، راهکار بازنگری و توجه به نقاط ضعف زنان؛ یعنی فقدان مهارت و فقر آنان و بهره‌گیری از نقاط قوت بیرونی (وجود طرح‌های خوداشتغالی و ارائه وام) به‌عنوان بهترین و صریح‌ترین راهکار ارائه شده است. در این راستا، توجه به عامل سوم یعنی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی، غیردولتی و مردم‌نهاد که وظیفه تأمین مالی و ارائه تسهیلات لازم با بهره‌گیری از روش‌های نوین مانند تأمین مالی خرد از طریق بانکداری پیوندی و حمایت‌های مالی مرحله‌ای، بدون ضمانت‌های قانونی (ضامن، سفته و غیره) را بر عهده‌دارند، دارای اهمیت فراوان است. در بانکداری پیوندی، پیوندی مالی بین سازمان‌های مالی رسمی و نهادهای مالی محلی (مانند صندوق‌های محلی خودیار، پس‌اندازهای خرد زنان سرپرست خانوار و غیره) برقرار شده و مقادیر خرد وام و تسهیلات در اختیار زنان سرپرست خانوار که سابقاً در باور بانک‌ها، فاقد وثیقه و ضامن معتبر و قانونی بوده و بانک‌پذیر نبوده‌اند، قرار می‌گیرد. علاوه بر این، بر اساس سیاست حمایت‌های مالی مرحله‌ای، از طریق سرمایه در گردش افزایشی، یعنی ارائه وام به زنان سرپرست خانوار و تسهیم سود بین زنان و مؤسسه مالی و واردکردن بخشی از سود آنان در سرمایه‌گذاری بعدی، می‌تواند به‌عنوان یکی از عامل‌های توانمندسازی نوین زنان سرپرست خانوار باشد.

بر اساس دیدگاه کارشناسان مورد مطالعه، بانک کشاورزی، بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، صندوق کارآفرینی امید و صندوق امداد

تنها با ارائه تسهیلات و اعتبارات مشخص به طرح‌های انتخابی توانمندسازی و مواردی مانند آموزش و مشاوره در راستای مهارت‌آموزی و همچنین حمایت‌های وابسته‌ساز سابق مانند مستمری ماهیانه، بیمه، سبد کالا و غیره پرداخته‌اند و مسئولیت صفر تا صد برنامه‌ها را بر عهده نگرفته‌اند؛ بنابراین، زنان مورد مطالعه، در بهترین حالت، با دریافت تسهیلات و سایر خدمات گفته‌شده، اقدام به فعالیت اقتصادی جدید نموده و کالا یا خدمات خاصی را تولید نموده‌اند. تولید کالا و محصولات، آخرین مرحله طرح‌های حمایتی سابق بوده و حلقه‌های مبهم فراوانی، مانند بازار، تزیق بیشتر تسهیلات و توسعه شغل، پایداری و پویایی فعالیت انتخابی و مسائلی از این قبیل که نشان‌دهنده رشد و توانمندسازی زنان باشد، وجود داشت. حلقه‌های فوق، شکست طرح‌های توانمندسازی را رقم زده و بازگشت به فقر اقتصادی فزاینده و بحران بدهی‌ها را سبب شده است؛ بنابراین، زنان مجدداً به نهاد حمایتی مراجعه کرده و با ناتوانی بیشتری، خواستار حمایت مجدد شده‌اند.

از دیدگاه کارشناسان، طرح‌های فوق دارای ایرادها و اشکالات متعددی در قالب حلقه‌های گمشده هستند که کشف و اصلاح آن‌ها و همچنین برنامه‌ریزی مجدد، زمینه‌ساز تحولات وسیعی در توانمندسازی زنان خواهد شد. کارشناسان فوق، معتقدند ایجاد الگوی نوین، ساختار دایره‌ای توانمندسازی را فروریخته و مثلث تعاملی نهاد حمایتی، زنان سرپرست خانوار و حلقه‌های گمشده زمینه‌ساز را جایگزین آن نموده است، به‌طوری‌که تمامی فاکتورهای مهم اثرگذار بر تداوم اشتغال-درآمدزایی و بهبود اوضاع اقتصادی زنان سرپرست خانوار را در نظر دارد. بر اساس الگوی نوین ارائه شده، ابتدا باید هم‌افزایی‌های هدفمندی در راستای توجه به چارچوب کلی طرح‌ها و نیازمندی‌های اجرایی آن صورت گیرد. ارکان اصلی هم‌افزایی‌های فوق، باید بر مبنای چهار عامل اصلی زیر باشد؛

- عامل اول: عامل سیاست‌گذار و ناظر بر طرح ساماندهی مشاغل جدید (در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار)؛
  - عامل دوم: نهاد حمایتی به‌عنوان مجری طرح؛
  - عامل سوم: تأمین‌کنندگان مالی (بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، خیریه‌ها، صندوق‌های قرض‌الحسنه و غیره) و عامل چهارم: پشتیبانان مشاغل زنان سرپرست خانوار (نهادهای مردمی، مؤسسات دولتی و غیردولتی، خیریه‌های اشتغال‌زا، اشخاص حقیقی و حقوقی و غیره).
- بر این اساس، طرح نوین توانمندسازی زنان، علاوه بر هم‌افزایی با ارگان‌های مختلف دولتی و غیردولتی، با عامل چهارم که خلأ در برنامه‌های سابق به شمار می‌رفت، تکمیل شده است.
- در راستای هم‌افزایی و همکاری‌های نوین بین‌سازمانی، برای هر سازمان وظیفه‌ای خاص تعیین و سازمان مذکور باید خود را موظف به اجرای آن نماید. بر اساس الگوی فوق، عامل اول؛ سیاست‌گذار طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار است. این نهاد به‌عنوان نهاد تأمین‌کننده سبد شغلی جامعه بوده و با آگاهی، شناخت و تسلط بر مزیت‌های منطقه‌ای و



و شکست را تجربه نموده‌اند، آهنگ پذیرش تغییرات جدید و تصمیم نوآوری آنان، متفاوت از سایر افراد جامعه بوده و اغلب دارای ذهنیات منفی و پیش‌داوری‌های غیرمنطقی در زمینه پذیرش طرح‌ها به‌صورت واقعی هستند. در اینجا، کارشناسان معتقدند در کنار هم‌افزایی‌های هدفمند و ارتباطات دقیق بازوهای اصلی طرح و همچنین کشف اکوسیستم‌های کسب‌وکار محلی و مبتنی بر مزیت منطقه‌ای، ترغیب نوگرایی و حذف پیش‌داوری‌های دو طرف عرضه و تقاضا و خوانایی امر و نمایش واقعی کسب‌وکار الزامی است.

#### پیشنهادها

- بر اساس نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد؛
- با توجه به اینکه یکی از حلقه‌های مفقوده مهم "الگوی سنتی توانمندسازی هم‌افزایی هدفمند بین سازمان‌های مرتبط با توانمندسازی زنان" است، پیشنهاد می‌شود؛ برنامه‌های مبنی بر حرکت به سمت هم‌افزایی‌های بین سازمانی اثربخش و کارا و ممانعت از برنامه‌ریزی‌های جزیره‌ای در سازمان‌ها فوق طراحی شود.
- از آنجا که گسترش مشاغل خرد و خانگی به‌عنوان طرح نهایی توانمندسازی زنان مورد مطالعه در این تحقیق معرفی شده، پیشنهاد می‌گردد؛ ساختار شکنی‌هایی در خصوص برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای این قشر اتفاق افتد و با تکیه بر برنامه‌های از پایین به تقویت مشاغل خرد گروهی اقدام گردد.
- از آنجا که می‌توان الگوی نوین توانمندسازی زنان را بر مبنای مشاغل خرد و خانگی قرارداد، پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های تبلیغاتی گسترده‌ای از طریق رسانه‌ها و به‌ویژه رسانه‌های محلی در زمینه آگاه‌سازی اجتماعی به‌منظور پشتیبانی از طرح‌های مشاغل خانگی اجرا شود.
- پشتیبانی دولت از طرح‌های اشتغال‌زایی خانگی یکی از پیشنهاد‌های مهمی است که به دنبال نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر ایجاد الگوی جدید توانمندسازی زنان مذکور بر اساس مشاغل خرد و خانگی و کارآفرینی خانوادگی ارائه گردید.
- بر اساس نتیجه پژوهش حاضر در زمینه الگوی نوین توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، حرکت به سمت خوشه سازی تولیدی و اتصال خوشه‌ها به هم از جمله پیشنهاد‌های مهمی است که به‌منظور حفظ چرخه تولید و تداوم طولانی مدت آن پیشنهاد می‌گردد.
- با توجه به نتایج پژوهش که ترسیم اکوسیستم کسب‌وکار منطقه‌ای را یکی از ضعف‌های الگوی توانمندسازی سنتی معرفی نموده، پیشنهاد می‌گردد؛ به‌منظور توانمندسازی زنان مورد مطالعه و در راستای ایجاد اشتغال پایدار برای آنان، برنامه‌ریزان و متصدیان امر به شناسایی و کشف اکوسیستم‌های کسب‌وکار بومی و بازارشناسی‌های مبتنی بر مزیت منطقه‌ای بپردازند.
- از آنجا که بر اساس الگوی نوین توانمندسازی مطرح شده در

ولایت به‌عنوان چهار مؤسسه مالی مهم، در جریان توانمندسازی افراد فقیر جامعه، اقدامات مناسبی را انجام داده‌اند. از آنجا که در طرح نوین توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، یکی از عامل‌ها و بازوهای طرح، وجود بانک‌ها و مؤسسات مالی است، بنابراین از وجود چهار مؤسسه مالی فوق در راستای ارائه وام‌های هدفمند می‌توان بهره گرفت. لذا می‌توان گفت، نهاد حمایتی، پس از شناسایی زنان سرپرست خانوار دارای مهارت متناسب با مشاغل تعریف شده دارای پشتیبان، به بانک‌ها و صندوق‌های فوق به‌منظور دریافت وام مراجعه نمایند.

یکی از عامل‌ها و بازوهای مهم طرح نوین توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، عامل چهارم یعنی عامل پشتیبان طرح توانمندسازی است. این عامل به‌عنوان تسهیلگر وظیفه حل مسائل موجود در طرح‌های پیشین توانمندسازی را داشته و به‌عنوان نقطه عطف تحولات برنامه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به شمار می‌رود. پشتیبانان طرح را می‌توان اشخاص حقیقی و یا حقوقی دارای برنامه‌های مبتنی بر اکوسیستم‌های کسب‌وکار محلی و مسلط بر بازار دانست. طرح نوین نیز، به‌منظور تداوم چرخه تولید و کسب درآمد دائمی و پایدار، به حضور مقتدرانه پشتیبانان نیازمند است. از آنجا که طرح نوین توانمندسازی زنان، طرح نوین ساماندهی مشاغل خانگی و کارآفرینی خانوادگی ویژه بانوان سرپرست خانوار معرفی شده است، بنابراین پشتیبان طرح به‌عنوان بازوی چهارم، واسطه تسهیلگری در بین سه بازوی دیگر بوده و در راستای پایداری طرح، وظایفی مانند کمک به عامل اول در زمینه شناسایی اکوسیستم‌های کسب‌وکار محلی مختص زنان، ارائه طرح‌های کارآفرینانه در حوزه مشاغل خانوادگی ویژه خانواده زنان سرپرست، ارائه آموزش‌های کارآفرینی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، تأمین ابزار کار و مواد اولیه، خوشه سازی و تقسیم‌کار بین خوشه‌ها، ارتباطات خوشه‌ای، نظارت حین انجام کار، استاندارد سازی تولید و بهبود کیفیت محصولات خانگی، برند سازی، واسطه‌گری‌های لازم به‌منظور سفارش‌گیری، بازاریابی و فروش محصولات را بر عهده‌دارند. علاوه بر هم‌افزایی‌های هدفمند بین چهار بازوی اصلی طرح‌های نوین، ترسیم اکوسیستم کسب‌وکارهای محلی و خرد و شناسایی و معرفی رسته‌های مشاغل بازارپسند و دارای پشتیبان فروش، یکی از موارد مهمی است که در راستای هم‌افزایی‌های بین سازمانی به‌صورت شفاف از طریق بازوی چهارم مشخص می‌شود، این امر سبب یافتن حلقه مفقوده اول یعنی؛ حلقه بازار- مشتری شده و به‌عنوان نقطه آغازین و مؤلفه تداوم‌بخش طرح‌های توانمندسازی زنان مذکور در نظر گرفته شده است. در اینجا برخلاف طرح‌های پیشین، ابتدا وجود بازار مدنظر است که توسط عامل چهارم یا پشتیبان طرح معرفی و مشخص می‌گردد.

در کنار دو راهکار فوق، راهکار ترغیب ذهنیات نوگرایانه/ حذف پیش‌داوری می‌تواند زمینه‌ساز توانمندی پایدار زنان مذکور شود. از آنجا که زنان سرپرست خانوار اغلب دیر پذیرند و بر اساس پیشینه اقتصادی- اجتماعی، پدیده‌های متعددی از فقر

- خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها. *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۵، صفحات ۳۵-۵۸.
۱۱. قدیری معصوم، م.، و احمدی، ا. (۱۳۹۴). سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان فیروزکوه. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۷، شماره ۴، صفحات ۷۵۹-۷۷۲.
۱۲. قلی‌پور، آ.، و رحیمیان، ا. (۱۳۸۸). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۴۰، صفحات ۶۲-۲۹.
۱۳. کلدی، ع.، و سلحشوری، پ. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۴، شماره ۴، صفحات ۲۲-۷.
۱۴. کیمیایی، س. ع. (۱۳۹۰). شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۴۰، صفحات ۹۲-۶۳.
۱۵. گزارش بانک جهانی. (۲۰۰۴). گزارش فقر زنان. قابل دسترس در سایت <https://wbl.worldbank.org>
۱۶. گزارش بانک جهانی. (۲۰۱۶). گزارش زنان، کسب‌وکار و قانون ۲۰۱۶: دسترسی به برابری. قابل دسترس در سایت <https://wbl.worldbank.org>
۱۷. مختاریان، ح. (۱۳۸۰). شیوه‌های افزایش مشارکت زنان در بازار کار. مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان، *فصلنامه فرهنگی پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان*.
۱۸. مصفا، ن. (۱۳۷۵). *مشارکت سیاسی زنان در ایران*. انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
۱۹. میشل، آ. (۱۳۸۱). *بیکار با تبعیض جنسی*. ترجمه محمد پوینده، نشر چشم، تهران.
20. Cruikshank, B. (1993). The will to empower-technologies of citizenship and the war on poverty. *Socialist Review*, 23(4).
21. Fewer, S., Ramos, J., & Dunning, D. (2013). Economic Empowerment Strategies for Adolescent Girls: A Research Study Conducted for the Adolescent Girls' Advocacy and Leadership Initiative. Adolescent Girls' Advocacy and Leadership Initiative, Oakland.
22. Handy, F. (2004). *Womens empowerment rural, India presented at Toronto, Canada July*.
23. Malhotra, A., Schuler, S. R., & Boender, C. (2002). Measuring women's empowerment as a variable in international development. In background paper prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender. *New Perspectives* (28).
24. Mello, D., & Schmink, M. (2017). Amazon entrepreneurs: Women's economic empowerment and the potential for more sustainable land use practices. *In Women's Studies International Forum*, 65: 28-36.
25. Paudel, J., & de Araujo, P. (2017). Demographic responses to a political transformation: Evidence of women's empowerment from Nepal. *Journal of Comparative Economics*, 45(2): 325-343.
26. Singh, M. K. (2018). Gender and women

پژوهش حاضر، تولید محصول توسط زنان به‌عنوان آخرین مرحله تواناسازی نبوده و اشتغال پایدار و تداوم چرخه تولید از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، در این راستا، اتصال طرح‌های خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار به تعاونی‌های فروش از سوی نهاد حمایتی پیشنهاد می‌گردد.

- تشکیل تعاونی‌های فروش محصولات خانگی زنان از سوی نهاد حمایتی و نظارت دقیق بر آن به‌عنوان پیشنهادی است که نگارندگان در راستای توجه به پایداری چرخه تولید و ایجاد زنجیره تأمین پایدار ارائه نموده‌اند.

- با توجه به طرح نهایی ارائه‌شده در پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود، به‌منظور افزایش تعهدات خانواده زنان سرپرست خانوار به طرح‌های اشتغال‌زایی خوداشتغالی، برنامه‌هایی به‌منظور درگیر نمودن تمامی افراد خانواده در طرح، از مرحله آغازین تا مراحل فروش فراهم شود (حمایت از همه اعضای خانواده).

### منابع و مأخذ

۱. جمشیدی، م. (۱۳۹۷). نظام معنایی (شرایط، تعاملات و پیامدهای) بازدارنده‌ها و پیش‌برنده‌های توانمندسازی زنان: (موردی: زنان سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد امام (ره) و اداره بهزیستی استان ایلام)، طرح پژوهشی، کارفرما استاندار ایلام.
۲. چرمچیان لنگرودی، م. (۱۳۹۵). نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان مرکبات کار شهرستان ساری. *فصلنامه زن و جامعه*، سال ۷، شماره ۱، صفحات ۲۸-۱.
۳. رمزی، ن.، طاهری، م.، طالبیان، م.، و معمارباشی، ا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین توانمندسازی بانگیزه کاری در زنان شاغل در ادارات شهرستان فردوس. هشتمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و پنجمین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۹۶). گزارش زن و توسعه.
۵. سالنامه آماری استان ایلام. (۱۳۹۵). مرکز آمار ایران.
۶. شادی طلب، ژ. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی زنان. *مجله زن در توسعه و سیاست*، شماره ۷، صفحات ۱۷۶-۱۴۱.
۷. شادی طلب، ژ.، و گرایبی نژاد، ع. (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه پژوهش زنان*، سال ۲، شماره ۱، صفحات ۶۹-۴۹.
۸. طباطبایی یحیی‌آبادی، ش.، و حسینیان، س. (۱۳۸۴). توانمندسازی زنان سرپرست خانواده از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال ۱، شماره ۴، صفحات ۳۶۸-۳۵۹.
۹. فرخی راستایی، ز. (۱۳۸۲). چگونگی توانمندسازی زنان برای مشارکت در امور توسعه با تأکید بر شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز مطالعات و اسناد علمی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۰. فروزان آمنه، س.، و بیگلریا، ا. (۱۳۸۲). زنان سرپرست

empowerment approaches: Interventions through PRIs and CSOs in Northern India. *Women's Studies International Forum*, 71:63-67.

27. Han, W., Zhang, X., & Zhang, Z. (2019). The role of land tenure security in promoting rural women's empowerment: Empirical evidence from rural China. *Land Use Policy*, 86: 280-289.

